

سخنرانی رهبر انقلاب اسلامی ایران در روز سه‌شنبه، اول مهر ۱۴۰۴ خطاب به مردم ایران یکی از مهم‌ترین اظهارنظرهای اخیر درباره سیاست خارجی به‌ویژه در موضوع مذاکره با ایالات متحده بود. در این سخنرانی پاسخی نیز به مطالبات رسانه‌ای مذاکره با آمریکا داده شد. این درخواست‌ها در حالی مطرح می‌شدند که تجربه‌های تاریخی و شرایط کنونی نشان‌دهنده بی‌فایده بودن و حتی زیان‌بار بودن چنین مذاکراتی‌اند. رهبر انقلاب در این سخنرانی به‌صراحت اعلام کردند که مذاکره با آمریکا در شرایط فعلی نه‌تنها به منافع ملی ایران کمکی نمی‌کند، بلکه زیان‌هایی جبران‌ناپذیر به دنبال خواهد داشت. در این شرایط ایران اما همچنان از موضع قدرت برای ایفای حقوق خود و اتمام حجت با اروپا هم اکنون در واپسین روزهای منتهی به قطعی شدن مکانیسم ماشه با بی‌اعتمادی کامل در نیویورک در حال مذاکره با مقامات ترویکا است. تشریح شروط اروپا که البته با تأیید آمریکا در مقابل ایران قرار گرفته فضا را برای گروه‌هایی که مطالبه مذاکره و حتی دیدار با ترامپ را دارند روشن‌تر کرده و سناریوی غرب برای مقصرسازی ایران در شکست مذاکرات را نمایان می‌سازد.

■ ■ ■

■ مذاکره با آمریکا؛ فاقد سود و پراز زیان

رهبر انقلاب در سخنرانی خود تأکید کردند مذاکره با آمریکا در شرایط کنونی هیچ سودی برای ایران ندارد و حتی نمی‌تواند تهدیدات موجود را از کشور دور کند. ایشان اظهار داشتند: «مذاکره با دولت آمریکا، اولاً هیچ کمکی به منافع ملی ما نمی‌کند، هیچ سودی برای ما ندارد، هیچ ضرری را هم از ما دفع نخواهد کرد.» این موضع بر اساس تجربه‌های تاریخی و رفتارهای غیرقابل اعتماد آمریکا در مذاکرات گذشته شکل گرفته است. توافق هسته‌ای برجام که پس از سال‌ها مذاکره به دست آمد، به‌دلیل خروج یک‌جانبه آمریکا در سال ۲۰۱۸ و نقض تعهدات این کشور، عملاً بی‌اثر شد و این روز‌ها نیز کشورهای اروپایی به دنبال آتند تأثیر خلاصی مکانیسم ماشه را به آن بزنند. همچنین، پیش از جنگ ۱۲ روزه اخیر، ایران در حال برنامه‌ریزی برای دور ششم مذاکرات با نمایندیه دولت ترامپ بود که با حمله نظامی اسرائیل و در ادامه حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران مواجه شد.

علاوه بر این، رهبر انقلاب به‌زیان‌های مذاکره اشاره کردند: «برعکس، زیان‌هایی هم بر آن مرتب است. شاید بشود گفت بعضی از این ضررها جبران‌ناپذیرند.» این زیان‌ها شامل پذیرش شروطی است که استقلال و منافع ملی ایران را به خطر می‌اندازد. آمریکا از پیش نتیجه مذاکرات را تعیین کرده و خواستار تعطیلی کامل فعالیت‌های هسته‌ای و غنی‌سازی ایران است. رهبر انقلاب این رویکرد را نه مذاکره، بلکه «دیکته» و «تحمیل» توصیف کردند: «یعنی بنشینیم پشت میز مذاکره با آمریکا و نتیجه گفت‌وگوهایی که با آن‌ها خواهیم کرد، حرفی باشد که او گفته باید انجام بگیرد!»

■ تهدیدپذیری و پیامدهای آن

یکی از نکات کلیدی سخنرانی رهبر انقلاب، بحث تهدیدپذیری ایران در صورت پذیرش مذاکره تحت فشار است. ایشان هشدار دادند که پذیرش مذاکره‌ای که با تهدید همراه باشد، نشانه ضعف و تسلیم ایران در برابر فشارهای خارجی است. رهبر انقلاب فرمودند: «اگر چنانچه شما با این تهدید رفتید مذاکره کردید، معنایش این است که ما در مقابل هر تهدیدی فوراً می‌ترسیم، می‌لرзим و تسلیم طرف مقابل می‌شویم.» این تهدیدپذیری می‌تواند به یک چرخه پایان‌ناپذیر از عقب‌نشینی‌های ایران منجر شود. آمریکا امروز غنی‌سازی را هدف

برخی منابع از امکان مذاکره با اروپا در نیویورک خبر می‌دهند، چرا باید به نیروهای نیابتی ترامپ هم بی‌اعتماد بود؟

اگر مذاکره می‌کنید، انگشت‌هایتان را بشمارید



■ بازگشت به مطالبات یک دههٔ پیش

یکی از شروط اصلی آمریکا، توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم در ایران است که به «غنی‌سازی صفر» معروف شده است. این مطالبه اخیراً توسط دونالد ترامپ در سخنرانی‌اش در مجمع عمومی سازمان ملل مطرح شد و رهبر انقلاب در سخنرانی اول مهر به آن واکنش نشان دادند. این شرط به معنای بازگشت به مطالبات یک دهه پیش آمریکا است که با هدف تضعیف برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران مطرح می‌شود. مذاکرات هسته‌ای ایران با غرب از ابتدا با هدف اعتمادسازی درباره صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران و تثبیت حق این کشور در غنی‌سازی بود. پذیرش غنی‌سازی صفر، به معنای نادیده گرفتن این حق و عقب‌گرد به شرایط پیش از مذاکرات است. رهبر انقلاب در این باره اظهار داشتند: «طرف مقابل امروز این جوری حرف می‌زند، می‌گوید مذاکره کنیم و از مذاکره این دربیاید که ایران غنی‌سازی نداشته باشد!» این مطالبه نه‌تنها غیرمنطقی است، بلکه نشان‌دهنده عدم تمایل آمریکا به مذاکراتی برابر و منصفانه است. ایران سال‌ها برای اثبات صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای خود مذاکره کرده و پذیرش این شرط، به معنای نادیده گرفتن تمام تلاش‌های گذشته است.

■ تهدیدی علیه توان دفاعی ایران

علاوه بر غنی‌سازی صفر، آمریکا خواستار محدود کردن برد موشک‌های ایران به ۵۰۰ کیلومتر شده است. این شرط به معنای محروم کردن ایران از توان دفاعی در برابر تهدیدات منطقه‌ای، به‌ویژه از سوی رژیم‌صهیونیستی است. رهبر انقلاب در سخنرانی خود به این موضوع اشاره کردند و گفتند: «چند روز قبل از این، معاونش (جی دی ونس) اعلام کرد که ایران بایستی موشک هم نداشته باشد! نه موشک دوربرد؛ موشک میان‌برد هم نباید داشته باشد، موشک کوتاه‌برد هم نباید داشته باشد!» این محدودیت به‌گونه‌ای طراحی شده که ایران را در برابر حملات احتمالی بی‌دفاع کند.

علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی نیز در واکنش به این شرط در توییت نوشت: «پافشاری ایران بی‌دلیل نیست. شرط محدود

قرار داده، اما فردا ممکن است شروط دیگری مانند محدود کردن توان موشکی یا قطع ارتباط با کشورهای منطقه را مطرح کند. رهبر انقلاب تأکید کردند: «امروز می‌گویند اگر چنانچه غنی‌سازی داشته باشید، ما چنین و چنان می‌کنیم؛ فردا می‌گویند اگر موشک داشته باشید، ما چنین و چنان می‌کنیم.» این روند، استقلال و قدرت بازدارندگی ایران را به خطر می‌اندازد.

■ شروط غیرمنطقی آمریکا و اروپا

در شرایط کنونی آمریکا و اروپا شروطی را برای مذاکره با ایران مطرح کرده‌اند که از اساس با هدف به شکست کشاندن مذاکرات طراحی شده‌اند. سه شرط اصلی که اروپا برای توقف فرایند مکانیسم ماشه مطرح کرده بود شامل تعیین تکلیف ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران، توافق با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای بازگشت بازرسان و بازگشت به میز مذاکره با آمریکا می‌شد. ایران به دو شرط اول عمل کرد و با آژانس پر سر پروتکل‌های همکاری توافق کرد. با این حال، آمریکا شروط جدیدی از جمله محدود کردن برد موشک‌های ایران به ۵۰۰ کیلومتر و توقف حمایت از گروه‌های مقاومت منطقه‌ای را مطرح کرد. این شروط نشان‌دهنده عدم تمایل واقعی آمریکا به مذاکره و تلاش برای مقصرنمایی ایران در فعال‌سازی مکانیسم ماشه است.

امانوئل مکرון، رئیس‌جمهور فرانسه، در نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل بدون اشاره به نقض تعهدات اروپا و آمریکا، ادعا کرد: «ایران همه تعهدات خود را نقض کرده است و باید تصمیم بگیرد؛ یا با آژانس همکاری کند یا با بازگشت تحریم‌های بین‌المللی مواجه شود.» این اظهارات در حالی مطرح شد که ایران به شروط اروپا عمل کرده بود، اما آمریکا با طرح شروط زیاده‌خواهانه، عملاً مذاکرات را به بن‌بست کشاند. وزیر خارجه آلمان نیز در مصاحبه‌ای با شبکه العربیه مدعی شد: «ما به ایران فرصت‌های زیادی برای رسیدن به توافق دادیم، ولی از آن‌ها استفاده نکرد.» این در حالی است که ایران شروط اروپا را اجرا کرده بود، اما طرف مقابل با طرح شروط جدید، از مذاکره سر باز زد.

■ ■ ■

حکمت عملی رهبر انقلاب در مورد ایدۀ ساده‌انگارانهٔ مذاکره با آمریکا



ضعیف بودن ایران را دارند؛ یعنی احساس می‌کنند ایران ضعیف شده است. بنابراین اگر شما بخواهید این ادراک را کامل کنید، نتیجه این خواهد شد که تسلیم هم می‌شوید، سازش می‌کنید و باز او با تو جنگ خواهد کرد. بنابراین حرف کسانی که ترامپ و شرایطش را با ۵۹۸، با جازمهر و این‌ها یکی می‌کنند، خیلی ساده‌لوحانه است؛ چون آنجا جنگ با عراق بود، اینجا جنگ با آمریکا و اسرائیل است. ثانیاً آنجا روی میز چیزی وجود داشت، الان چیزی وجود ندارد. الان یک شبه‌بیز تسلیم چیده‌اند. ما داریم مذاکره می‌کنیم؛ آقای عراقی با اروپایی‌ها در ارتباط است، ما در قاهره با این‌ها صحبت کردیم و قرار شد مکانیسم ماشه را عقب بیندازند و طبق قاهره ماشه را تمدید کنند و نکرند. بنابراین مسیری است که واقعاً با روی زمین دارد؛ اصلاً ایدئالیستی و ایدئولوژیک نیست. یعنی صرفاً نمی‌توان این‌گونه دید و تحلیل کرد؛ جنبه‌های واقع‌گرایانه دارد و برخلاف اصلاح‌طلبان که حرف از رنالیسم می‌زنند و می‌گویند باید در سیاست خارجی واقع‌گرا باشیم، حرف‌هایشان خیال‌پردازانه و رویاپردازانه است از این جهت فکر می‌کنم صحبت‌های رهبری یک منطق حکمت عملی داشت، دوراندیشانه بود و برآیندی از تجربه گذشته و در عین حال آینده‌نگرانه است و با روی زمین دارد. اگر هسته‌ای ما را به رسمیت بشناسند و تحریم‌های ما را بردارند می‌توانیم توافق کنیم کمالاتکه به همین دلیل با آن‌ها مذاکره کردیم،

کردن برد موشک به زیر ۵۰۰ کیلومتر یعنی چشم‌پوشی از توان دفاعی در برابر اسرائیل. کدام ایرانی باغیرتی چنین محدودیتی را می‌پذیرد؟» این مطالبه درحالی روی میز قرار گرفته است که توان موشکی ایران به‌عنوان یک اهرم بازدارنده است که در جنگ ۱۲ روزه اخیر نقش کلیدی در دفاع از کشور ایفا کرد. محدود کردن برد موشک‌ها به ۵۰۰ کیلومتر، عملاً ایران را از توانایی پاسخ به تهدیدات اسرائیل محروم می‌کند و به آمریکا امکان می‌دهد تا با معرفی ایران به عنوان تهدیدی برای کشورهای عربی منطقه، به فروش تسلیحات و بسیج دولت‌های منطقه علیه ایران ادامه دهد.

سومین شرط آمریکا، قطع حمایت ایران از گروه‌های مقاومت منطقه‌ای مانند حزب‌الله لبنان است. وزیر خارجه آلمان در اظهاراتی تلویحی به این موضوع اشاره کرد و گفت: «ما معتقدیم حزب‌الله لبنان همچنان تهدیدی واقعی برای اسرائیل است.» این شرط نشان‌دهنده تلاش آمریکا برای حمایت از رژیم‌صهیونیستی است.

■ بازی ریاکارانه اروپا و آمریکا

اظهارات مقامات اروپایی و آمریکایی نشان‌دهنده یک بازی ریاکارانه برای مقصرنمایی ایران در شکست مذاکرات است. اروپا برای ایران شروطی را مطرح کرد که ایران به آن‌ها عمل کرد، اما پس از اجرای این شروط، اروپا و آمریکا با طرح شروط جدید، از جمله محدودیت‌های موشکی و منطقه‌ای، عملاً مذاکرات را به بن‌بست کشاندند. مکرون در مصاحبه‌ای با کانال ۱۲ اسرائیل ادعا کرد پیشنهادهای ایران برای توقف مکانیسم ماشه معقولاته بود، اما به‌دلیل اینکه «عراقی حرفش حرف کل حاکمیت ایران نیست»، این پیشنهادها را نپذیرفتند. این بهانه‌گیری‌ها نشان داد که طرف اروپایی از ابتدا برای توافق نشدن و ایجاد مشروعبت بیشتر در رسانه‌ها برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه شرط و شروط طرح کرده و اعلام این مخالفت از یک کانال اسرائیلی نیز پشت پرده چنین مواضعی را بهتر روشن می‌کند. فعال‌سازی مکانیسم ماشه که به بازگشت تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران منجر می‌شود از ابتدا به‌عنوان ابزاری برای فشار بر ایران طراحی شده بود. اروپا و آمریکا با طرح شروط غیرمنطقی و سپس مقصرنمایی ایران تلاش کردند این مکانیسم را توجیه کنند. مکرون و وزیر خارجه آلمان بدون اشاره به نقض تعهدات خود ایران را به عدم همکاری با آژانس متهم کردند.

■ ۵۰ درصد شما کفایت نمی‌کند

سخنرانی رهبر انقلاب در اول مهر ۱۴۰۴ و اظهارات مقامات ایرانی مانند علی لاریجانی نشان‌دهنده موضع قاطع ایران در برابر فشارهای آمریکا و اروپاست. مذاکره با آمریکا در شرایط کنونی، با توجه به شروط غیرمنطقی مانند غنی‌سازی صفر، محدود کردن برد موشک‌ها و قطع حمایت از گروه‌های مقاومت، نه‌تنها به نفع ایران نیست، بلکه به زیان‌های جبران‌ناپذیری منجر می‌شود. تجربه‌های تاریخی، از جمله نقض برجام و حملات نظامی آمریکا، نشان‌دهنده غیرقابل اعتماد بودن این کشور در مذاکرات است. اروپا نیز با طرح شروط غیر واقعی و مقصرنمایی ایران، نقش مکمل آمریکا را در این بازی ریاکارانه ایفا می‌کند. در این شرایط منطقی است که ایران با حفظ استقلال و توان دفاعی خود در برابر این فشارها ایستادگی و از منافع ملی خود دفاع کند؛ با این وجود برخی عدم تمایل آمریکا و غرب به تداوم مذاکره را نادیده گرفته و با طرح مطالبه دیدار پزشکیان و ترامپ پازل مقصرنمایی ایران را تکمیل می‌کنند.

■ ■ ■

حکمت عملی رهبر انقلاب در مورد ایدۀ ساده‌انگارانهٔ مذاکره با آمریکا

تا جنگ نشود. « الان وقتی حین مذاکره جنگ شده این کلیشه هم به هم ریخته است. بنابراین لزوماً به این معنی نیست که اگر ما وارد یک راهبرد شویم، حتماً سمت دیگر مقابله‌مان این خواهد بود که جنگ می‌شود. شاید جمع‌بندی جمهوری اسلامی این باشد که آن‌ها برای جنگ تصمیماتی گرفته‌اند؛ براین اساس، وارد نشدن در این فرایند سازش، ممکن است خطر جنگ را کمتر کند. این لزوماً به این معنی نیست که خطر کاملاً از بین می‌رود، ولی شاید به قدرت ما و بازدارندگی ما اضافه کند.

■ رهبری مقابل سوریه‌سازی ایران ایستادند

شاید یک برداشت این باشد که آمریکا و اسرائیل می‌خواهند ایران را یا تبدیل به سوریه بکنند یا تبدیل به لیبی؛ مثل مدل‌هایی که در خاورمیانه و در منطقه اجرا کردند. این به یک راهبرد جدید از سمت ایران نیاز دارد. یک بخش این راهبرد این است که ما منطق قدرت جهانی را درک کرده‌ایم و بر اساس آن حرکت می‌کنیم. طبیعتاً همکاری‌های جدیدی با چین، با روسیه، با شرق، با همسایگان درست خواهیم کرد و جنس روابطمان را عوض خواهیم کرد. سؤال جدیدی مطرح شده که با اسرائیل باید چه کرد؛ کشور فلسطین رأی قاطبه افکار عمومی جهان و دولت‌ها را دارد؛ بنابراین فرصت‌های جدید هم از دل این بیرون می‌آید. راهبرد رهبری را باید این‌گونه دید که در مقابل تجزیه ایران و لیبی شدن ایران است. در حقیقت مقداری باید مسئله را بزرگ‌تر دید؛ چون طرف مقابل ما بزرگ‌تر می‌بیند و می‌خواهد برای ایران تعیین تکلیف کند.

■ قراردادن دولت مقابل نظام حکمرانی هم خلاف امنیت ملی است

افرادی که کار سیاسی انجام می‌دهند، تلاش نکنند دولت را در قطب مخالف نظام قرار دهند؛ این کاری است که جبهه اصلاحات تلاش داشت انجام دهد و دولت را با خود بکشد و برود؛ نباید دولت را در مقابل حاکمیت قرار داد. یکی از اهداف طرف مقابل این است که این شکاف را درست کند و بعد به شکاف اجتماعی بکشد. رهبری این همراهی سران قوا را جزء نشانه‌هایی خوب ندانستند و تأیید کردند. بنابراین گروهی که می‌خواهند به این موضوع دامن بزنند و شکاف درست کنند و فرصتی پیدا کنند که از پزشکیان بنی‌صدرسازی کنند، به همان میزان که می‌گویم سازش با آمریکا خلاف منافع ملی است، این کار (یعنی راه‌اندختن کودتا علیه دولت و بنی‌صدر ساختن از پزشکیان) هم خلاف امنیت ملی است، خلاف مصالح ملی است؛ این هم باید درک شود. هرگونه قطبی‌سازی به این شکل در فضایی سیاست داخلی حتماً خُند قدرت ملی است.